



Research Paper

Religion, Law and Development: Studying the Performance of Forty Years of Iran's Legislative System, 1980-2020

Farshad Momeni^{1*}, Seyed Mohsen Alavimanesh²

¹ Corresponding Author: Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: F.Momeni@atu.ac.ir

² A PhD Candidate in Economics, Department of Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

A country's level of gross domestic product (GDP) per capita over time has frequently been used as an indicator of economic development. Iran's per capita income in 1977 (shortly before the 1979 revolution) has been higher than its average income earned per person recorded for all the years of the post-revolutionary era thus far. Therefore, a question is raised whether the country's lower level of economic development (as measured by its per capita income) has been a result of the religious nature of the key governing bodies of the Islamic Republic of Iran established on the basis of Article Four of the Constitution. It is crucial to investigate the accuracy of the assertion that these institutions might have indeed contributed to the vicious cycles of underdevelopment of the country in order to find alternative solutions to the slow-down in Iran's economic development process.

The authors attempt to answer the following two research questions: 1. In accordance with Douglas North's chain of belief-institution-transformation, how has Iran's level of national development been influenced by the religious nature of its key political institutions established after the revolution based on Article Four of the Constitution? 2. To what extent have the Guardian Council (*Shorā-ye negahbān*) and the Expediency Discernment Council (*Majma' tashkhis-e maslehat-e nezām*) influenced Iran's economic development in the 1980-2020 period? A careful investigation of this issue is important in order to facilitate the policymakers' better understanding of the underlying causes of the persistent vicious cycles of the country's underdevelopment in the hope of averting a worsening of the

***How to Cite:** Momeni, Farshad; and Seyed Mohsen Alavimanesh. (2024, Winter) "Religion, Law and Development: Studying the Performance of Forty Years of Iran's Legislative System, 1980-2020," *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 53, 4: 791-817, <DOI: 10.22059/JPQ.2024.362924.1008090>.

Manuscript received: 18 August 2023; final revision received: 7 February 2024; accepted: 4 February 2024; published online: 11 March 2024.



© Authors retain the copyright. Publisher: University of Tehran Press.

situation. Based on the theoretical framework of Douglas North's notion of the belief-institution-economic performance, the authors hypothesize that religious beliefs have had an impact on the enactment of laws and ultimately on economic development in Iran in the 40-year period from 1980 to 2020. Thematic analysis is used to collect and interpret qualitative data pattern on themes in the data set provided by the Guardian Council (GC) Research Institute related to the GC's decisions and opinions on the laws introduced and forwarded by the Islamic Consultative Assembly (*Majles-e shorā-ye eslāmi* or Iran's parliament) since 1980 (i.e., the starting year of the GC's function). The main focus of this paper is on the role of the Guardian Council which is an influential institution—because its members perform the task of screening each legislation concerning its constitutionality—and thus has veto power over legislations introduced by the unicameral parliament (*Majles*). The Expediency Discernment Council (EDC) also has a significant impact on the legislation process by settling disagreements between the Majlis and the GC over laws and deciding which of the two political institutions is right.

The findings revealed that a total of 3339 legislation were screened by the GC during the 40-year period, only 175 legislations (5.24 percent) were disapproved, 12 legislations (0.36 percent) remained ambiguous, and 3152 legislations (94.40%) were finally approved. 171 cases (14.73 percent) had also been referred to the EDC at the request of the Majlis. 175 legislations had been rejected by both the GC and the EDC because they were deemed as non-congruent with Islamic law as emphasized in Article four of the Constitution. Among all the rejected legislations, no important piece of legislation with economic implication was observed, with the exception of the case related to the Financial Action Task Group (FATF). However, the impasse on the FATF legislation as well as the other undecided legislations—particularly on the most challenging foreign policy issues—can be seen as the weaknesses in the political institutions' decision-making processes. Only the accrued cost of the month-long delays caused by the drawn-out process of screening the legislations might be considered a monetary factor with adverse impact on economic performance of the country, but there might be less evident factors which have indirect development implications. Considering the impact of these issues on the country's national interest, it is the duty of the experts to further examine the economic and political implications of these delayed legislations and persuade the policymakers to work towards conflict resolution and reach a consensus.

Keywords: Expediency Council, Guardian Council, Iran, the Impact of Religious Beliefs on Economic Development, Law Making

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article. They confirm being the contributors of this work and have approved it for publication.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



دین، قانون و توسعه: بررسی عملکرد چهل ساله نظام قانون گذاری ایران، ۱۳۹۹-۱۳۵۹

فرشاد مومنی^۱ ، سید محسن علوی منش^۲ 

^۱ نویسنده مسئول: استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: F.Momeni@atu.ac.ir
^۲ دانشجوی دکترای دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

یکی از شاخص های رایج توسعه اقتصادی، افزایش درآمد سرانه در گذر زمان است؛ و با آگاهی از اینکه درآمد سرانه ایران در ۱۳۵۶ (یک سال پیش از انقلاب اسلامی) بیش از همه سال های پس از آن است، دو پرسش پژوهشی زیر مطرح می شود: ۱. با توجه به زنجیره باور-نهاد-تحول در نظریه داگلاس نورث، آیا می توان این امر را در سطح توسعه ملی تحلیل کرد و ناشی از صیغه دینی نهادهای کشور پس از انقلاب متجلی در مقدمه و اصل ۴ قانون اساسی دانست؟ ۲. اثرگذاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر توسعه اقتصادی چه بوده است؟ بررسی این مسئله برای شناخت یکی از دوره های باطل توسعه نیافتگی کشور یا میرا شدن دین اهمیت دارد. در فرضیه پژوهشی بر پایه نظریه داگلاس نورث مبنی بر زنجیره باور-نهاد-توسعه اقتصادی، بیان می شود که باورهای دینی بر قوانین و در نهایت توسعه اقتصادی تأثیر داشته اند. در این پژوهش تأثیر نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان بر نظام قانون گذاری ایران در دوره ۱۳۹۹-۱۳۵۹ با کاربرد روش «تحلیل تماتیک» تبیین شد؛ و یافته های پژوهش نشان داد که در مجموع از ۳۳۳۹ مصوبه مجلس شورای اسلامی در این دوره چهل ساله، تنها ۱۷۵ مصوبه (۵/۲۴ درصد) را این دو نهاد رد کرده اند که در میان آنها به جز مسئله «گروه مشترک اقدام مالی»، مورد مهم تأثیر گذار بر اقتصاد مشاهده نشد، و شاید تنها بتوان هزینه تأخیر ۱۵ ماهه ناشی از تأیید مصوبه ها را از دیدگاه اقتصادی مؤثر دانست. بی گمان شناخت و به کارگیری «مصلحت» در روابط اقتصادی بین الملل با استفاده از پویایی اسلام در توسعه کشور اهمیت دارد.

واژه های کلیدی: ایران، تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی، شورای نگهبان، قانون گذاری، مجمع تشخیص مصلحت نظام

* استناد: مومنی فرشاد؛ سید محسن علوی منش. (۱۴۰۲، زمستان) «دین، قانون و توسعه: بررسی عملکرد چهل ساله نظام قانون گذاری ایران، ۱۳۹۹-۱۳۵۹» *فصلنامه سیاست*، ۵۳، ۴: ۷۹۱-۸۱۷.
<DOI: 10.22059/JPQ.2024. 362924.1008090>

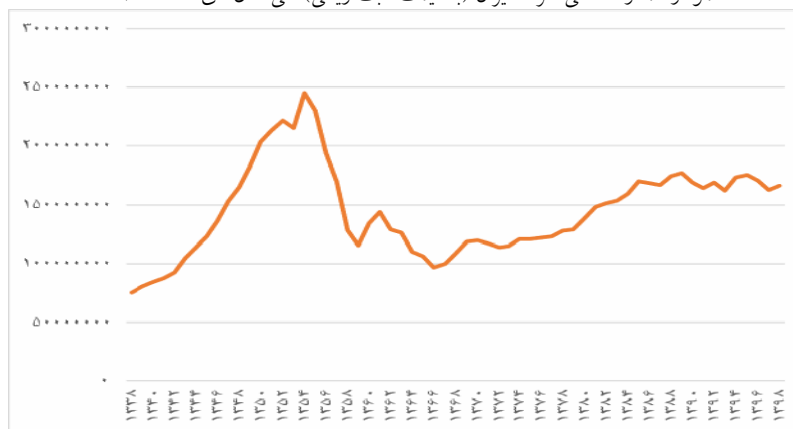
تاریخ دریافت: ۲۷ مرداد ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۱۸ بهمن ۱۴۰۲، تاریخ تصویب: ۲۱ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲.



۱. مقدمه

با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی که دومین تلاش و انقلاب مردم ایران برای دستیابی به آزادی و عدالت در سده بیستم است، کارنامه اقتصادی حاصله چندان خوشایند نیست. هرچند کشور در ابعاد سیاسی و دفاعی به استقلال سیاسی و توان بازدارندگی دفاعی دست یافته و در ابعاد اجتماعی- اقتصادی نیز «شاخص توسعه انسانی»^۱ ارتقا مشخص یافته یا در حوزه علم و فناوری، ایران پیشرفت‌های مناسبی به‌ویژه در ورودی‌های نوآوری داشته است، ولی واقعیت آن است که در زمینه‌های درآمد سرانه و رفاه، رشد و دیگر شاخص‌های کلان اقتصادی به موفقیت زیادی (به‌ویژه با استثنا کردن دهه نخست انقلاب) دست نیافته‌ایم، به‌گونه‌ای که همچنان درآمد سرانه (که برخی آن را تعریف ساده توسعه اقتصادی می‌دانند) در ۱۳۵۶ (یک سال پیش از انقلاب) بیش از درآمد سرانه همه این سال‌ها بوده است.^۲ این توسعه‌نیافتگی در کنار رشد و توسعه کشورهای دیگر که در زمان انقلاب در شرایط اقتصادی کمابیش نزدیکی با آنها قرار داشتیم، بیانگر موفق نبودن در کسب رشد و توسعه اقتصادی است. تحریم‌های اقتصادی در سال‌های اخیر نیز بر بی‌ثباتی‌های اقتصادی افزوده و به شرایطی رسیده‌ایم که برای نخستین بار در نیم سده گذشته نرخ تشکیل سرمایه از میزان استهلاك آن کمتر است.

نمودار ۱. درآمد ملی سرانه ایران (به قیمت ثابت ریالی) طی سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۹۸



منبع: (World Bank, 2023)

حتی در مورد شاخص‌هایی مانند توسعه انسانی که جزو دستاوردهای انقلاب اسلامی است، گزارش ۲۰۲۰ سازمان ملل نشان می‌دهد که این شاخص برای ایران در ۲۰۲۱ برابر با ۰/۷۷۴ بوده که نسبت به ۲۰۲۰ (۰/۷۷۷) و ۲۰۱۹ (۰/۷۸۳) کاهش نشان می‌دهد (United Nation, 2022: 300) و سهم جمعیت فقیر ایران از ۲۰ درصد در ۲۰۱۱ به ۲۸/۱ درصد در ۲۰۲۰ افزایش یافته است و ۴۰ درصد ایرانیان در خطر افتادن در تله فقر قرار دارند (Knippenberg and *et al.*, 2023: 5-7). اگرچه می‌توان بسیاری از این نتایج را به سیاست‌های نادرست اقتصاد کلان یا رعایت نکردن سیاست‌های پیشنهادی کارشناسان نسبت داد، ولی با توجه به بلندمدت بودن این پدیده‌ها به نظر می‌رسد بهتر است آنها را در سطح توسعه ملی و زیرملی با استفاده از ابزارهای اقتصاد نهادگرایی تحلیل کنیم.

در عین حال که می‌توان یکی از دوره‌های باطل توسعه‌نیافتگی را مانند طرفداران مکتب وابستگی^۱ به مانع بودن نظام سلطه و نقشی که برای اقتصاد ایران قائل‌اند، مربوط کرد (Shojaei, 2018)، یا یکی از دوره‌های باطل توسعه‌نیافتگی را مانند آنچه حسین عظیمی در کتاب «مدارهای توسعه‌نیافتگی» خود با نقل قول از کتاب «گنج شایگان» جمالزاده اشاره می‌کند، ناآشنایی مسئولان ایرانی با چگونگی حرکت دادن کشور به سمت پیشرفت و توسعه اقتصادی ذکر کرد (Azimi, 1995: 123)، یا می‌توان اقتصاد سیاسی و فعالیت گروه‌های ذی‌نفع فاسد را یکی از مدارهای توسعه‌نیافتگی دانست، به هر حال صاحب‌نظران یکی از دوره‌های باطل توسعه‌نیافتگی ایران را دین، به‌ویژه دین اسلام برشمرده‌اند. به‌گونه‌ای که از نخستین رویارویی ایران با غرب و با توجه به تجربه رنسانس در غرب بخش مهمی از روشنفکران ایرانی مانند طالبوف، آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، کسروی و برخی نویسندگان دیگر، علت اصلی عقب‌ماندگی ایران را درآمیختگی دین و سیاست، یا نفس وجود مذهب و روحانیت معرفی می‌کردند (Imam Jomezadeh and Monfared, 2004).

جالب اینجاست که با وجود این پیشینه، دین که زمانی مانع توسعه به‌شمار می‌آمد، در اثر تحولات اجتماعی و فکری در ذهن بخش‌های مهمی از جمعیت در سال‌های پایانی رژیم پهلوی، به نجات‌دهنده کشور و شکل‌دهنده توسعه بدل شد. به‌گونه‌ای که در نهایت، این گفتمان دارای صبغه دینی و اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) به انقلابی منجر شد که در مقدمه قانون اساسی آن، قانون اساسی کشور را مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر پایه اصول و ضوابط اسلامی برمی‌شمرد. اکنون با توجه به ناکارآمدی‌های پیش‌گفته (حاصل تجربه چهل‌ساله انقلاب اسلامی)، برخی صاحب‌نظران شکست‌های مذکور را به ماهیت اسلامی برخی نهادهای اصلی کشور مربوط ساخته و راه

توسعه کشور را سکولاریسم^۱ بیان کرده و با استناد به تجربه رنسانس کشورهای غربی، دین را مانع توسعه اقتصادی کشور معرفی می‌کنند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا به دو پرسش پژوهشی پاسخ داده شود: ۱. با توجه به زنجیره باور-نهاد-تحول در نظریه داگلاس نورث، آیا می‌توان این امر را در سطح توسعه ملی تحلیل کرد، و ناشی از صبغه دینی نهادهای کشور پس از انقلاب متجلی در مقدمه و اصل ۴ قانون اساسی دانست؟ ۲. اثرگذاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بر توسعه اقتصادی چه بوده است؟ بررسی این مسئله برای شناخت یکی از دوره‌های باطل توسعه‌نیافتگی کشور یا مبرا شدن دین اهمیت دارد. در فرضیه پژوهشی بر پایه نظریه داگلاس نورث مبنی بر زنجیره باور-نهاد-توسعه اقتصادی بیان می‌شود که باورهای دینی بر قوانین و در نهایت توسعه اقتصادی تأثیر داشته‌اند. با مرور ادبیات نظری مرتبط با رابطه بین باورهای دینی و توسعه اقتصادی و نیز انتخاب چارچوب نظری نورث، تأثیر نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان بر نظام قانون‌گذاری ایران در دوره ۱۳۹۹-۱۳۵۹ با کاربرد روش رویکرد تحلیل تماتیک یا موضوعی^۲ تبیین و در پایان یافته‌های این بررسی ارائه می‌شود. برای محدود کردن حوزه پژوهش، بر «نهاد قانون» از بین نهادهای مختلف متأثر از باورها و مؤثر بر توسعه اقتصادی تمرکز شد.

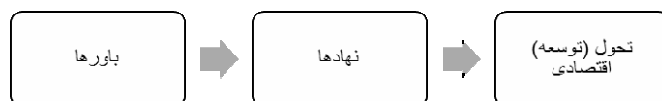
۲. مبانی نظری

درباره تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی شاید اصیل‌ترین و مشهورترین اثر مطالعه ماکس وبر با عنوان «*اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*» باشد. پرسش اصلی این اثر آن است که پیدایش پدیده‌هایی از تمدن و توسعه در غرب و تنها در غرب را باید به کدام ترکیب از موقعیت‌ها نسبت داد؟ (Weber, 2007: 10). وبر روح سرمایه‌داری جدید (یا توسعه) را در مفهوم «شغل به مثابه تکلیف» در «ریاضت‌کشی این جهانی» پیوریتانیسم^۳ می‌یابد. از نظر وبر، مفهوم «شغل به مثابه تکلیف» در عهد باستان یا در الهیات کاتولیکی وجود نداشته، بلکه این مفهوم از سوی جنبش اصلاح کلیسا ارائه شده و از پایه بیانگر این نکته است که عالی‌ترین شکل تعهد اخلاقی انجام وظیفه در امور دنیوی است. البته وبر در این کتاب ادعا نمی‌کند تفاوت‌هایی که در عقلانی شدن اخلاق مذهبی بیان کرده، تنها عوامل مهمی‌اند که تکامل اقتصادی در غرب را از تکامل اقتصادی تمدن‌های شرقی متمایز می‌کنند. با این همه، می‌توان اثر وبر را تحلیل علی از تأثیر پیوریتانیسم بر فعالیت سرمایه‌دارانه (و توسعه) به‌شمار آورد.

1. Secularism
2. Thematic Analysis
3. Puritanism

جالب اینجاست که مسئله لزوم اصلاح دینی به پیروی از پروتستانیسیم غرب و تأثیر آن بر سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی در ایران نیز از سوی روشنفکرانی مانند ملک‌خان مطرح و پس از آن از سوی اندیشمندان مختلفی بیان شده است. گرچه محمد قوچانی به‌تازگی با انتشار کتابی، ثمره «پروتستانیسیم^۱ اسلامی» را «بنیادگرایی اسلامی» دانسته و از آن به «ترازدی پروتستانیسیم اسلامی» تعبیر کرده است (Qhochani, 2022). این موضوع در ادبیات اقتصادی به‌ویژه در ادبیات اقتصاد نهادگرایی نیز مورد توجه قرار گرفته است که شاید بتوان کامل‌ترین مطالعه در این زمینه را از آن برنده فقیه جایزه نوبل داگلاس نورث دانست. نورث در پژوهش خود با عنوان «فهم فرایند تحول اقتصادی» با مرور نظرهای پیشین مبنی بر تأثیر نهادها بر تحول و توسعه اقتصادی، این بار این زنجیره را کامل‌تر می‌کند و باورها را تعیین‌کننده نهادها برمی‌شمارد. بدین‌ترتیب باورها (البته باورهای کارآفرین‌های اقتصادی و سیاسی) در رویارویی با سه تغییر اصلی جهان (جمعیت، فناوری و تغییرات نهادی) از راه ایجاد نهادها و تغییر در ماتریس نهادی جامعه بر تحول یا توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارند (North, 2017).

شکل ۱. فرایند تحول اقتصادی داگلاس نورث



(Source: North, 2017 and 1998)

جالب اینجاست که نورث نه تنها به شکل کلی نظریه خود را مبنی بر زنجیره باور - نهاد و تحول (یا توسعه) اقتصادی بیان کرده، بلکه در عین حال که خود مطالعه مستقیمی درباره اسلام انجام نداده، ولی مبنی بر آرای گریف^۲ و کوران^۳ درباره تأثیر اسلام و باورهای اسلامی بر توسعه اقتصادی نظر داده است: «نورث فرض می‌کند که مسیحیت حقوق مالکیت کارا را تضمین می‌کند که این امر موفقیت اروپای غربی و ایالات متحده و شکست سایر بخش‌های جهان شامل اسلام و در نتیجه شکست آنها در توسعه اقتصادی را تبیین می‌کند» (Zouache, 2016: 63). نقد این نظر نورث درباره اسلام را به مقاله‌ای دیگر می‌سپاریم. نورث ساختار نهادی جامعه را دارای دو ساختار نهادی رسمی و غیررسمی دانسته و تصریح می‌نماید: «ساختار نهادی رسمی جامعه متشکل از چارچوب قانونی است که افراد جامعه در حد وسیعی

1. Protestantism
2. Anver Grief
3. Timur Kuran

به آن اعتقاد دارند و ساختار غیررسمی شامل هنجارها، رسوم و قواعد رفتاری است» (North, 2017: 103). درباره رابطه ساختار نهادی رسمی (چارچوب قانونی) و ساختار نهادی غیررسمی (فرهنگ) می‌توان گفت که «از دیدگاه داگلاس نورث، فرهنگ رکن مهم شکل‌گیری قانون است و از راه قانون است که بین نهادهای رسمی و غیررسمی پیوند برقرار می‌شود و شکنندگی‌ها و سوءکاردهایی که در کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاده است را دارای ریشه در این مسئله می‌داند که بخش بزرگی از قوانین این کشورها، چه قانون اساسی و چه قوانین عادی ریشه در فرهنگ آن جامعه نداشتند و این سبب می‌شود از اثر پیوند آن جامعه یعنی پیوند میان نهادهای رسمی و غیررسمی محروم شود و نیروی محرکه شکل‌گیری انواع تعارض شود» (Porter, 2020: 10). بنابراین دو مسئله فرهنگ و قانون را از جمله اصلی‌ترین مواردی می‌توان دانست که در بررسی تجربه اسلام و جمهوری اسلامی باید به آنها توجه شود. شایان ذکر است تازه‌ترین پژوهش‌ها این حوزه به این مسئله می‌پردازند که آیا فرهنگ و قانون آن‌گونه که ذکر شد، مکمل‌اند یا جایگزین که هنوز در ابتدای کشف این روابط هستیم (Payen and Ronde, 2020).

درباره ساختار نهادی غیررسمی (فرهنگ) در ادبیات رشته اقتصاد سه نگاه کلان را می‌توان نام برد که عبارت‌اند از: بازارگراها، مکتب تاریخی و نهادگرایان (Porter, 2020) که در این مقاله به آنها نمی‌پردازیم، بلکه بر نهادهای رسمی یا همان قانون متمرکز می‌شویم. شاید یکی از جامع‌ترین آثار در زمینه تأثیر قوانین بر توسعه اقتصادی گزارش ۲۰۱۷ بانک جهانی در سلسله گزارش‌های توسعه جهانی^۱ باشد که بیان می‌دارد: «تعهد^۲، هماهنگی و همکاری را باید کارکردهای نهادی حیاتی برای کارآمدسازی سیاست‌ها دانست که رسیدن به بروندهای مطلوب توسعه‌ای را ممکن می‌سازد». در این گزارش قانون نقش مهمی در عملکرد مطلوب این کارکردها دارد. به عبارت دیگر، قانون از مسیر تأثیر بر عملکرد این سه کارکرد بر توسعه اقتصادی مؤثر است (World Bank, 2017).

۳. محدود کردن حوزه مطالعه تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی به تأثیرهای از معبر «قانون»

علت تمرکز این پژوهش بر نهاد قانون و بررسی زنجیره باورهای اسلامی – نهاد قانون – توسعه اقتصادی را می‌توان دلایل زیر دانست: دین دارای سه جزء اصلی ۱. عقاید، ۲. اخلاق و ۳. شریعات است. از این میان جزئی که بیشترین تأثیر را در حوزه اجتماعی و حکومت دارد،

1. World Development Report

۲. تعهد را می‌توان سازگاری سیاست‌ها طی زمان تعریف کرد.

بخش شرعیات یا همان قانون دینی است، هرچند از نظر تقدم رتبی بخش عقاید بر سایر اجزا پیشتر است. در رابطه شریعت و قانون همین بس که «صدرالمتهلین (۹۷۹-۱۰۵۰ ق) ... بیان می‌دارد: قانون همان شرع است و قرآن مشتمل بر شرح قوانین شریعت. فقیهان کارگزاران این علم و سلطان و دستگاه سیاست نیز مجری شریعت‌اند» (Fairahi, 2020: 49). به عبارت دیگر، در مورد کشور ما و در حکمرانی سنتی، قانون همان شریعت به‌شمار می‌آمده است. مشابه همین بیان را می‌توان در نگاه علمای دینی و رهبران انقلاب اسلامی دید، به گونه‌ای که امام خمینی (ره) گفتار پنجم کتاب «کشف‌الاسرار» خود را به آن اختصاص داده است (Kohistaninejad, 2002).

۱. قانون‌خواهی اصلی‌ترین خواسته انقلاب مشروطه یکی از دو انقلاب یک سده اخیر ایران است که بر پایه آن قانون را اصلی‌ترین مفهوم برای توسعه کشور می‌دانستند. سخنان سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی از مبارزان دوره مشروطه در این زمینه مشهور است (Katouzian, 2013: 190). برای همراه کردن قانون و شریعت نیز تلاش‌های فکری ارزشمندی در این دوره صورت گرفته است که افزون بر کتاب ارزشمند «یک کلمه»، (Tabrizi, 2021) باید به کتاب مرجع عالیقدر شیعه علامه نایینی با نام «تنبيه‌الامة و تنزيه‌الملله» (بیلارکردن امت اسلامی و اعتلای دین) اشاره کرد (Naini, 2001). همچنین اصل ۲ متمم قانون اساسی مشروطه برای مشروعه ساختن مشروطه مصوب شد که اگر چه هیچ‌گاه عملی نشد.

۲. همچنین در ادبیات نهادگرایی نهاد قانون جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا قانون هم خود یک نهاد و متأثر از نهادهای موجود است و هم خود موجب نهادهاست. «قانون در تئوری نهادگرایان جدید و به‌ویژه نورث به شکل عمده‌ای به حساب می‌آید. قانون مهم‌ترین منبع قواعد رسمی بازی است و نقش حیاتی در حمایت از دادوستد بازار ایفا می‌کند. به‌ویژه قانون سازوکارهای اجرا را فراهم می‌کند که به تقویت تأثیر و اعتبار تعهداتی که کارآفرینان اقتصادی و سیاسی ایجاد می‌کنند، کمک می‌کند. قانون همچنین استاندارد است که برای شناسایی نظام‌های سیاسی استفاده می‌شود و در شکل قاعده، قانون سازوکارهای نهادی برای تسهیل گذار از حکومت طبیعی به نظم دسترسی باز را فراهم می‌کند. بنابراین قانون در تئوری نورث در همه جا حضور دارد» (Faundez, 2016: 33). با توجه به اهمیتی که در ادبیات اقتصادی در مورد اهمیت نهادها به‌طور کلی، و نهاد قانون به‌طور ویژه در توسعه اقتصادی مطرح است و با عنایت به زنجیره معرفی شده از سوی نورث (باور- نهاد- توسعه اقتصادی)، پرسش اصلی این مقاله با محدود کردن حوزه مطالعه به نهاد قانون آن است که آیا قوانین اسلامی ناشی از باورهای اسلامی مانع توسعه اقتصادی شده است؟ به عبارت

دیگر، آیا ادعای نورث مبنی بر اینکه اسلام و قوانین آن بستر مناسبی برای توسعه اقتصادی مسلمانان فراهم نکرده، درست بوده و در مورد تجربه چهل ساله جمهوری اسلامی نیز درست است؟

۴. بررسی نظری مانعیت قانون اسلامی در توسعه اقتصادی

درباره اینکه آیا قوانین اسلامی برای توسعه اقتصادی مانعیت ایجاد می‌کند، می‌توان به اثر معروف تیمور کوران با نام «واگرایی عمیق» اشاره کرد. وی استدلال می‌کند که اگر قوانین اسلامی مانع توسعه بود، نباید دوران شکوفایی اسلام در سده‌های ششم تا دوازدهم میلادی رخ می‌داد که مسلمانان در آن دوران پیشرفته‌ترین جوامع دنیا بودند، و به‌ویژه در مباحث قانونی نیز کشورهای غربی از قوانین اسلامی بهره می‌بردند: «حداقل نیم سده پس از ظهور اسلام، قانون مشارکت اسلامی از سوی مردم گوشه و کنار جهان به‌عنوان مبنای نهادی در همکاری‌های تجاری مورد پذیرش قرار گرفت و اتخاذ شد» (Kuran, 2018: 71). کوران عقب‌ماندگی خاورمیانه مسلمان را در انعطاف‌ناپذیری قوانین اسلامی به‌ویژه در چهار نهاد شخصیت حقوقی، ممنوعیت ربا، وقف، و ارث می‌داند. این نبود انعطاف به‌ویژه با توجه انعطاف‌پذیری مورد نیاز ماتریس نهادی جوامع با توجه به سه تغییر عمده موردنظر نورث از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. در مورد رابطه اسلام با قانون پس از عقب‌ماندگی مسلمانان به‌ویژه در مورد جامعه ایرانی تلخیصی که مرحوم فیرحی بیان کرده مناسب است: «الف) جامعه به ضرورت نیازمند قانون بود؛ ب) هر گاه ایده قانون شکل می‌گرفت، بلافاصله این مانع طرح می‌شد که مگر ایران شریعت ندارد؛ ج) پیش‌فرض این بود که شریعت اسلام قانون جامع و تغییرناپذیر است؛ د) این پرسش طرح می‌شد که وضع قانون یا موافق شریعت است که امری زائد است و یا مخالف شرع است که اعتباری ندارد؛ ه) ولی آنگاه که به ملاحظه حفظ شریعت یا قانون موضوعه مخالفت می‌شد، در عمل خود شریعت هم در چنبر بی‌قانونی می‌افتاد و اجرا نمی‌شد؛ و) بدین‌سان، با نفی قانون به ملاحظه دفاع از شریعت، جامعه در بستر بی‌قاعدگی فرو می‌رفت و راه به استبداد حاکمان باز می‌شد» (Fairahi, 2020: 257).

در مقابل پیش‌فرض مهمی که مرحوم فیرحی در این تلخیص بیان کرده که شریعت را قانون مسلمانان و جامع و تغییرناپذیر می‌داند، دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است جامعیت و جاودانگی اسلام به قدرت انعطاف‌پذیری آن است، از جمله شهید مطهری رمز جاودانگی قوانین را قابلیت سازگاری آن با شرایط زمانی و مکانی متفاوت دانسته و معتقد است نظام تشریع اسلام دارای چنین قابلیت است و در عین حال که دارای اصل (حلال) محمد

حلال الی یوم‌القیامه و حرام محمد حرام الی یوم‌القیامه^۱ است، ولی از نوعی پویایی و تحرک و از نوعی انعطاف بهره‌مند است که راه‌حل‌های مختلف در اشکال گوناگون زندگی ارائه می‌کند. ایشان مادر و منبع همه راز و رمزها را روح منطقی اسلام و وابستگی کامل به فطرت و طبیعت انسان و اجتماع و جهان می‌داند (Mahdavi, 2010: 63). قابلیت [انعطاف] نظام تشریع اسلامی با تحولات اجتماعی و شرایط زمانی و مکانی مختلف، به این معناست که در نظام تشریع اسلامی عواملی وجود دارد که آن را با تحولات اجتماعی سازگار می‌کند. از آن عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. تفکیک بین حوزه معاملات و عبادت‌ها، ۲) قواعد تعدیل‌کننده،

۳) منطقه‌الفراغ، ۴. احکام حکومتی و ۵. عرف و بنای عقلا (Mahdavi, 2010: 65).

۵. بررسی تجربی تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی از معبر قانون در تجربه جمهوری اسلامی

فارغ از تجربه تاریخی سده دوازدهم تا سده بیستم میلادی که ادعای نورث درباره اسلام مبتنی بر آن است، ارزیابی تجربه چهل ساله جمهوری اسلامی در ایران که بر پایه مقدمه قانون اساسی آن نهادها باید اسلامی باشند، فرصتی است تا به ارزیابی انعطاف‌پذیری قوانین اسلامی در بسترسازی (یا دست‌کم مانع نشدن) برای توسعه اقتصادی بپردازیم. با پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران، حضور اسلام به‌منزله مبنا و منبع رسمی قوانین و مقررات و به‌عنوان مهم‌ترین عنصر مؤلفه نظام سیاسی کشور، بسیار پررنگ‌تر شد. در جای جای قانون اساسی جمهوری اسلامی به این حضور رسمیت قانونی بخشیده شد و در پی آن تلاش‌های فراوانی به‌منظور ایجاد اصلاحات لازم ساختاری و محتوایی صورت گرفت. گذشته از نظریه دینی حاکم بر ساختار سیاسی کشور و سازوکارهای اجرایی کردن آن نظریه، قانون اساسی جدید بسیار محکم‌تر از تلاش متمم قانون اساسی مشروطه، بر اسلامی بودن نظام حقوقی ایران (از جمله در اصل ۴) تأکید می‌کند و در این زمینه سازوکارهای لازم را در خود جای داده است (Hallaq, 2007). با توجه به این مباحث، به این نتیجه می‌رسیم که برای بررسی تجربی تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی از معبر قانون در تجربه جمهوری اسلامی و با استفاده از زنجیره باور- نهاد - تحول (توسعه) اقتصادی داگلاس نورث، دو رویکرد را می‌توان متصور شد: ۱. رویکرد پیشینی و ۲. رویکرد پسینی.

رویکرد پیشینی: رویکرد پیشینی به این معناست که همان‌طور که نورث بیان می‌کند، در شرایط عادی باورها (در اینجا باورهای اسلامی) باید بر نهادها (در اینجا نهاد قانون) تأثیر

۱. آنچه محمد حلال کرده تا قیامت حلال است، و آنچه محمد حرام کرده تا قیامت حرام است.

بگذارند و بدین ترتیب باورها از راه تأثیر نهادها بر توسعه اقتصادی مؤثرند. اگر چه دو شرط راهبردی این مسئله «پذیرش درونی» و «التزام عملی» است. در تجربه جمهوری اسلامی ایران نخستین و اصولی‌ترین تأثیر باورهای اسلامی بر نهاد قانون تصویب قانون اساسی است که قوانین دیگر باید مبتنی بر آن باشند. بنابراین در رویکرد پیشینی باید بررسی شود که آیا با توجه به زنجیره باور-نهاد-تحول در نظریه داگلاس نورث و با عنایت به اهمیت نهاد قانون در میان ساختار نهادی جامعه، باورهای دینی (اسلامی) پدیدآورندگان انقلاب اسلامی در قانون اساسی و از آن راه در قوانین کشور تبلور یافته و آیا این امر در نهایت بر توسعه اقتصادی کشور تأثیر داشته است؟ افزون بر قانون اساسی، در سه سند بالادستی دیگر یعنی «چشم‌انداز بیست‌ساله»، «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» و «اقتصاد مقاومتی» نیز تلاش‌هایی برای این تبلور صورت گرفته و در آنها ذکر شده است که قوانین برنامه یا قوانین دیگر باید مبتنی بر آنها باشد.^۱

هرچند مرور بر چیستی و نتایج این اسناد در حوصله این مقاله نیست، ولی در کل می‌توان گفت که این مفاهیم که برخی از آنها هیچ‌گاه به شکل سند ارائه نشده و به شکل مفهوم و ایده باقی مانده است، نتوانستند باور منسجمی ایجاد کنند و در نتیجه همان «حرکات زیگزاگی» که رهبری در مورد لزوم داشتن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به وجود آن در سی‌ساله نخست انقلاب اسلامی اشاره داشت، در دهه چهارم نیز تداوم یافته است: «وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی - اسلامی، یعنی یک نقشه جامع. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ همچنان‌که در طول این سی سال، به حرکات‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم» (The Leader's Statements at the First Meeting of Strategic Ideas, 2010). گوهردانی و تیزرو در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران»، با اشاره به همین بیان رهبری، ایران را دارای سه رژیم حقیقت متفاوت می‌دانند که انسجامی میان آنها وجود نداشته و هیچ رژیم حقیقتی نسبت خود را با دو رژیم حقیقت دیگر مشخص نکرده است و این امر موجب شکست نهادی و پیش‌بینی‌ناپذیری همه نهادهای جامعه دانسته‌اند (Gohardani and Tizro, 2019) and نهاد قانون نیز از این قاعده مستثنا نیست و با توجه به اینکه این مفاهیم یا اسناد به‌طور کامل و منسجم بیان نشده‌اند، در نتیجه قوانین نیز تنها انطباقی صوری و کلی با آنها دارند و نتوانسته‌اند کارکردهای مورد انتظار از قانون را که بر پایه «گزارش توسعه ۲۰۱۷» بانک جهانی که اشاره شد، قانون باید برای توسعه ایفا کند، از جمله کارکرد «تعهد» را ایجاد کنند.

۱. بررسی این رویکرد را به مقاله‌ای دیگر می‌سپاریم.

رویکرد پسینی: شیوه دیگری که برای بررسی زنجیره باورهای اسلامی - قوانین - توسعه اقتصادی در ایران می‌توان اتخاذ کرد، رویکرد پسینی است که مبتنی بر این واقعیت است که در قانون اساسی کشور آنچه تلاش برای اسلامی کردن قانون به‌شمار می‌آید، وجود و فعالیت نهاد شورای نگهبان است که به شکل پسینی به جلوگیری از مغایرت‌های احتمالی قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با اسلام و شرع می‌پردازد. بر پایه اصول ۷۱ و ۷۲ قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی که می‌توانند در همه مسائل عمومی به وضع قانون بپردازند، با این استثنا روبه‌رو هستند که این قوانین نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایر باشد. همچنین بر پایه اصل ۹۱ قانون اساسی، به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و نیز قانون اساسی و برای بررسی همان نبود مغایرت موردنظر، شورایی به نام «شورای نگهبان» تشکیل شده که مبتنی بر اصل ۹۶ قانون اساسی «تشخیص عدم مغایرت مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام» با اکثریت فقهای آن نهاد است. بدین ترتیب اصلی‌ترین جایی که مذهب و باورهای مذهبی می‌تواند از نظر نهادی مانعی برای توسعه از معبر حوزه قانونگذاری به‌شمار آید، شورای نگهبان است. اگر چه باید توجه داشت که بسیاری از مواردی که شورای نگهبان مغایر با شرع تشخیص می‌دهد، در عمل با مذاکره با مجلس شورای اسلامی حل‌وفصل می‌شود و تنها مواردی را می‌توان موجب مانعیت یا کندی در تصویب قوانین به‌سبب لحاظ مباحث شرعی دانست که مجلس شورای اسلامی بر نظر خود مصر باقی بماند و از دیگر سو نتواند شورای نگهبان را در این زمینه اقناع کند. در این صورت آن‌گونه که در بازنگری قانون اساسی و در اصل ۱۱۲ تبیین شده است، کار به مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌رسد. در واقع این شیوه همان پیشنهاد مشروطه مشروعه است که در متمم قانون اساسی مشروطه تصویب شد.

باید توجه داشته باشیم شورای نگهبان از درجه تحلیل‌های سطح توسعه عهده‌دار نقش مناقشه‌برانگیز دیگری نیز است که به مسئله ارائه مجوز یا منع ورود به ساختار قدرت تحت عنوان «احراز صلاحیت» می‌پردازد که به‌دلیل گستردگی و اهمیت خارق‌العاده آن این جنبه اخیر به پژوهش مستقل دیگری نیاز دارد. بنابراین اگر ادعای مقاله را بررسی مانعیت باورهای دینی بر توسعه اقتصادی کشور از معبر قانونگذاری به‌شمار آوریم، می‌توان با بررسی مواردی که شورای نگهبان مصوبه‌های مجلس را مغایر با قانون اساسی یا شرع تشخیص داده است، به بررسی مانعیت باورهای دینی بر توسعه اقتصادی از معبر قانون پرداخت. در این زمینه همه مغایرت‌های شورای نگهبان با مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی از ۱۳۵۹ (سال تشکیل شورای نگهبان) تا پایان ۱۳۹۹ با استفاده از سامانه جامع نظرات شورای نگهبان وابسته به پژوهشکده این شورا احصا می‌شود (The Comprehensive Website of Guardian Council's).

(Opinions, 2023). مواردی که در رفت و برگشت میان شورای نگهبان با مجلس شورای اسلامی حل و فصل شده، کنار گذاشته شده است، ولی مواردی که مغایرت باقی مانده و در عمل مصوبه مجلس شورای اسلامی کنار گذاشته شده است، شناسایی می‌شود. همچنین مواردی که با اصرار مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ها مغایر شناخته شود، به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده، شناسایی و بررسی می‌شود که چه مواردی از آنها رد یا تصویب شده است تا موارد رد شده آن که بیانگر موانعی است که باورهای دینی بر توسعه اقتصادی کشور از راه قوانین داشته‌اند، مشخص شود. در تحلیل این مباحث از رویکرد تحلیل تماتیک یا موضوعی^۱ استفاده می‌شود.

۵. ۱. روش‌شناسی تحلیل تماتیک یا موضوعی

در پژوهش‌های بین‌المللی تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی آمده است: «احکام و قراردادهای ایران تا اواخر سده نوزدهم مکتوب نشده است. قراردادهای تمایل داشته‌اند که شفاهی و با استفاده از شاهد باشند تا اینکه اسنادی که حقایق را بازتولید کنند. این امر احتمالاً چرایی این مسئله است که مطالعات تاریخ اقتصادی کمی‌گرای خیلی کمی در مورد ایران، ایرانی‌ها و شیعه صفوی وجود دارد» (Becker and et al., 2020: 66). با توجه به کیفی بودن نهاد «قانون»، در بررسی رویکرد پسینی انتخاب‌شده در این پژوهش از روش «تحلیل تماتیک» کیفی استفاده می‌شود. تحلیل کیفی در واقع پژوهشی است که یافته‌های آن از راه فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشد (Ghasemi and Hashemi, 2020). «تحلیل تماتیک» برای تحلیل داده‌های کیفی و یکی از خوشه‌روشنه‌هایی است که بر شناسایی الگوی معنایی در مجموعه‌ای از داده‌ها تمرکز دارد. این تحلیل، فرایند شناسایی الگوها یا تم‌ها در بطن داده‌های کیفی است (Tayebi Abolhasani, 2019). روش‌های مختلفی برای انجام تحلیل تماتیک در ادبیات آن ذکر می‌شود، با وجود این بیشتر این روش‌ها دارای سه گام اصلی: ۱. گردآوری و توصیف، ۲. سازمان‌دهی و تنظیم و ۳. تفسیر و بازنمایی است (Narimani and et al, 2012).

۵. ۲. بررسی و یافته‌های پژوهش

برای تحلیل تماتیک، همان‌طور که ذکر شد، در آغاز باید به گردآوری و توصیف داده‌ها پرداخت. خوشبختانه گردآوری همه مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان وابسته به پژوهشکده شورای نگهبان احصا شده است (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۴۰۲).

۵. ۲. ۱. لایه اول: مغایرت‌های شورای نگهبان با مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی

با توجه به اینکه تحلیل تماتیک در اینجا در چارچوب یک نظریه و برای بررسی ممانعت شورای نگهبان درباره قوانین برگزیده شده است، بنابراین نخستین تم (لایه) این تحلیل مسئله اعلام مغایرت مصوبه‌های مجلس از سوی شورای نگهبان است. در سامانه مذکور امکان جست‌وجو بر پایه نظرات شورای نگهبان شامل تأیید، مغایرت، ابهام و نبود اعلام نظر وجود دارد. در دوره زمانی از ۱۳۵۹ که فعالیت شورای نگهبان آغاز شده تا پایان ۱۳۹۹، از مجموعه ۳۳۳۹ مصوبه مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان با ۱۱۶۱ مصوبه (۳۴/۷۷ درصد مصوبه‌ها) اعلام مغایرت کرده است. بنابراین، پیش از کدگذاری بیشتر و مبتنی بر مبانی نظری و ساختار قانون اساسی ایران مشخص است که تم (لایه) دوم این مسئله است که از بین مغایرت‌های اولیه شورای نگهبان کدام مصوبه‌های مجلس با اصلاحات انجام‌شده از سوی مجلس در نهایت تأیید شده، کدام مصوبه‌های مجلس (چه با وجود رفت‌وبرگشت میان مجلس و شورای نگهبان و چه بدون این فرایند) در نهایت رد شده و کدام مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی با وجود مخالفت‌های شورای نگهبان به دلیل اصرار مجلس شورای اسلامی، در نهایت، به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده است. بررسی دقیق‌تر مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که از کل ۳۳۳۹ مصوبه مجلس طی چهل سال نخست فعالیت شورای نگهبان (تا پایان ۱۳۹۹)، ۲۱۷۸ مصوبه (۲۳/۶۵ درصد) از ابتدا تأیید، ۸۳۵ مصوبه (۰۱/۲۵ درصد) با رفع اشکالات تأیید شده، ۱۵۵ مورد (۶۴/۴ درصد) با وجود رفت‌وبرگشت‌هایی که با مجلس شورای اسلامی انجام شده، در نهایت از سوی شورای نگهبان رد شده است و ۱۷۱ مورد (۱۲/۵ درصد) نیز با اصرار مجلس شورای اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شده است.

جدول ۱. تم مغایرت‌های شورای نگهبان

کل مصوبه‌ها ^(*)	لایه اول	لایه دوم
۳۳۳۹ مصوبه	مغایرت‌های شورای نگهبان ۱۱۶۱ مصوبه (۷۷/۳۴ درصد کل مصوبه‌های چهل‌ساله)	مصوبه‌هایی از مجلس که با وجود مغایرت اولیه از سوی شورای نگهبان در نهایت تأیید شده است: ۸۳۵ مصوبه (۰۱/۲۵ درصد مصوبه‌ها)
		مصوبه‌هایی از مجلس که پس از مغایرت اولیه از سوی شورای نگهبان در نهایت نیز رد شده است: ۱۵۵ مصوبه (۶۴/۴ درصد مصوبه‌ها)
		مصوبه‌هایی از مجلس که پس از مغایرت اولیه از سوی شورای نگهبان با اصرار مجلس در نهایت به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفته است: ۱۷۱ مصوبه (۱۲/۵ درصد مصوبه‌ها)

یادداشت: (*) کل مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی در دوره چهل ساله، ۱۳۹۹-۱۳۵۹.

لایه آخر تم اول تحلیل (مغایرت شورای نگهبان با مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی) این مسئله است که مصوبه‌هایی که برپایه اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده، در نهایت تأیید یا رد شده یا نتیجه آن هنوز مشخص نشده و مبهم است. نتیجه بررسی این امر نشان می‌دهد که از کل مواردی که به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شده، تنها ۲۰ مصوبه رد، ۱۲ مصوبه هنوز مبهم و بدون پاسخ است و مابقی مصوبه‌های ارجاعی (۱۳۹ مصوبه) از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأیید شده است. بنابراین مبتنی بر تم اول و زیرمجموعه‌های آن می‌توان جمع‌بندی کرد که فارغ از علت مغایرت شورای نگهبان، در مجموع، از کل ۳۳۳۹ مصوبه مجلس طی این چهل سال تنها ۱۷۵ مصوبه (۵/۲۴ درصد) آنها رد شده، ۱۲ مصوبه (۰/۳۶ درصد) مبهم باقی مانده و ۳۱۵۲ مصوبه (۹۴/۴۰ درصد) مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی در نهایت تأیید شده است. تأیید نهایی حدود ۹۵ درصد مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی از سوی شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام فارغ از اینکه دلیل مغایرت قانون اساسی یا شرع بوده، نشان می‌دهد که نهاد شورای نگهبان در عمل مانعیت جدی برای توسعه اقتصادی کشور از معبر قانون‌گذاری ایجاد نکرده است. برای بررسی بیشتر علت مغایرت‌های شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و نیز حدود ۵ درصد مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی که در این چهل سال رد شده است، به کدگذاری و تم‌های بیشتر نیاز است.

۵. ۲. ۲. تم دوم لایه دوم: علل مغایرت‌های شورای نگهبان با مصوبه‌هایی از مجلس شورای اسلامی که از سوی شورای نگهبان رد شده

برای تحلیل مصوبه‌هایی از مجلس شورای اسلامی که از سوی شورای نگهبان به‌طور کلی رد شده، تم‌های زیر در نظر گرفته شده است: ۱. رد کلی یا جزئی، ۲. زمان بررسی شورای نگهبان، ۳. مغایرت بر پایه خلاف موازین شرع بودن یا اصول قانون اساسی و ۴. اقتصادی یا غیراقتصادی بودن مصوبه‌ها (پیوست ۲). از ۱۵۵ مصوبه‌ای که از سوی شورای نگهبان رد شده است، ۱۳۱ مورد آن (۸۴/۵۲ درصد) رد کلی بوده و در مورد ۲۴ مصوبه نیز رد جزئی و مربوط به بخش ویژه‌ای از مصوبه‌ها است. همچنین زمانی که از مصوبه مجلس شورای اسلامی تا رد نهایی آن از سوی شورای نگهبان طی شده است، به‌طور میانگین پنج ماه و نیم بوده است. نکته مهم‌تر آنکه دلیل مغایرت شورای نگهبان با این مصوبه‌ها تنها در ۲۱ مصوبه (۱۳/۵۵ درصد) موارد خلاف موازین شرع بودن است و در سایر موارد (۸۶/۴۵ درصد) مصوبه‌ها دلیل مغایرت شورای نگهبان اصول قانون اساسی بوده است نه مغایرت مصوبه‌ها با موازین شرع. در میان اصول قانون اساسی که علت مغایرت و رد شورای نگهبان با مصوبه‌های مجلس شورای

اسلامی بوده‌اند، بیشتر دلایل مغایرت به‌تنهایی مربوط به اصل ۷۵ قانون اساسی و مربوط به مواردی است که مصوبه مجلس ناشی از طرح (و نه لایحه) بوده و بار مالی آن در نظر گرفته نشده است.

جدول ۲. زیرتم علت مغایرت شورای نگهبان در مصوبه‌های در نهایت رد شده مجلس از سوی شورای نگهبان

لایه دوم	لایه سوم	لایه چهارم
مصوبه‌هایی از مجلس که پس از مغایرت اولیه از سوی شورای نگهبان در نهایت رد شده است: ۱۵۵ مصوبه.	علت مغایرت شورای نگهبان مخالفت آن با اصول قانون اساسی است: ۱۳۴ مصوبه (۸۶/۴۵ درصد).	اصل ۷۵ به‌تنهایی: ۱۳/۵۵ درصد
		اصل ۷۳ به‌تنهایی: ۱۰/۷ درصد
		اصل ۷۴ به‌تنهایی: ۸۷/۳ درصد
		اصل ۸۵ به‌تنهایی: ۸۷/۳ درصد
		اصل ۱۱۰ به‌تنهایی: ۸۷/۳ درصد
		اصل ۵۷ به‌تنهایی: ۲۲/۳ درصد
		سایر موارد: ۵۰/۹۷ درصد
		علت مغایرت شورای نگهبان مخالفت آن با موازین شرع است: ۲۱ مصوبه (۱۳/۵۵ درصد).

از ۱۵۵ مصوبه‌ای که از سوی شورای نگهبان رد شده است، ۴۱ مصوبه (۴۵/۲۶ درصد) اقتصادی و ۱۱۴ مصوبه (۵۵/۷۳ درصد) غیراقتصادی است. از ۴۱ مصوبه اقتصادی رد شده ۷ مصوبه آن (۰۷/۱۷ درصد) مربوط به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بوده است. همچنین تنها ۸ مصوبه (۱۶/۵ درصد) از کل ۱۵۵ مصوبه‌ای که شورای نگهبان به‌طور کلی رد کرده، هم دارای زیرتم اقتصادی بوده و به همین دلیل زیرتم مخالفت با موازین شرع رد شده است. بنابراین مشاهده می‌شود که از کل مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی که از سوی نهاد شورای نگهبان به‌طور کلی رد شده است، تنها حدود ۵ درصد آن هم اقتصادی بوده و هم به‌دلیل مخالفت با موازین شرعی رد شده است که در میان این موارد نیز به‌جز مسئله اساسنامه بانک توسعه و تجارت اکو مورد خاصی وجود ندارد که این مصوبه نیز به‌دلیل ضعف فعالیت اکو نمی‌تواند تأثیر شگرفی بر اقتصاد ایران داشته باشد.^۱

۵. ۲. ۳. تم سوم لایه دوم: نحوه برخورد مجمع تشخیص مصلحت نظام با مصوبه‌های مجلس مغایر شناخته‌شده از سوی شورای نگهبان

۱. بنگرید به پیوست ۱ برای مخالفت‌های شورای نگهبان و زیرتم‌های بررسی‌شده.

همان‌طور که بیان شد، ۱۷۱ مصوبه مجلس شورای اسلامی پس از مخالفت شورای نگهبان با آنها به اصرار مجلس شورای اسلامی و بر پایه اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده است. نخستین زیرتم در این تم بررسی این مسئله است که علت مخالفت شورای نگهبان با مصوبه مجلس به سبب مخالفت با موازین شرع بوده است یا اصول قانون اساسی؟ در بررسی دلایل مغایرت شورای نگهبان مشخص شد که ۷۳ مصوبه (۴۲/۶۹ درصد) به سبب خلاف موازین شرع بودن از سوی شورای نگهبان رد شده است که بالاترین سهم را در دلایل رد دارد. پس از مخالفت با موازین شرع بودن، مغایرت با اصل ۷۵ با ۳۳ مصوبه (۳۰/۱۹ درصد) مهم‌ترین دلیل مخالفت بوده است.

جدول ۳. زیرتم علت مغایرت مصوبه‌های مجلس اعلام‌شده از سوی شورای نگهبان و ارجاع داده‌شده با اصرار مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام

لایه دوم	لایه سوم	لایه چهارم
مصوبه‌های مجلس که پس از مغایرت اولیه از سوی شورای نگهبان با اصرار مجلس در نهایت به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده است: ۱۷۱ مصوبه.	علت مغایرت شورای نگهبان که	اصل ۷۵: ۶۷/۳۳ درصد از لایه سوم
	با اصرار مجلس به مجمع	اصل ۱۱۲: ۲۴/۱۲ درصد از لایه سوم
	تشخیص مصلحت نظام ارجاع	اصل ۱۱۰: ۲۰/۱۰ درصد از لایه سوم
	داده شده است، مخالفت آن با	اصل ۵۲: ۱۴/۷ درصد از لایه سوم
	اصول قانون اساسی است: ۹۸ مصوبه (۳۱/۵۷ درصد).	سایر موارد: ۷۵/۳۶ درصد از لایه سوم
	علت مغایرت شورای نگهبان که با اصرار مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شده است، مخالفت آن با موازین شرع است: ۷۳ مصوبه (۴۲/۶۹ درصد).	

از زیرتم‌های دیگر در نظر گرفته‌شده با توجه به کدگذاری‌های انجام‌شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، ۲. اقتصادی یا غیراقتصادی بودن مصوبه‌ها، ۳. زمان مجموع بررسی شورای نگهبان و مجمع تا اعلام نتیجه نهایی و ۴. تأیید یا رد مجمع تشخیص مصلحت (پیوست ۲). از نکات جالب مصوبه‌های مجلس که به تشخیص مصلحت نظام رسیده است، می‌توان به سهم شایان توجه موافقت‌نامه‌های بین‌المللی اشاره کرد. این موافقت‌نامه‌ها که خیلی از آنها به شکل نمونه^۱ تهیه شده‌اند، با ۵۹ مصوبه، ۳۴/۵۰ درصد از مصوبه‌های دریافتی مجمع تشخیص را تشکیل می‌دهند، اگر چه سهم زیادی از آنها (۹۴/۸۲)

درصد) یکسره به تأیید مجمع رسیده است. از ۱۷۱ مصوبه مجلس که به مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده، ۵۱ مصوبه (۲۹/۸۲ درصد) با موضوع اقتصادی و ۱۲۰ مصوبه (۷۰/۱۸ درصد) مربوط به موضوع‌های غیراقتصادی بوده است. در بین ۵۱ مصوبه اقتصادی مجلس که به مجمع تشخیص مصلحت رسیده، ۹ مصوبه آن به دلیل مخالفت با موازین شرع با مغایرت شورای نگهبان روبه‌رو شده است. از این ۹ مصوبه اقتصادی مخالف موازین شرع، ۴ مورد آن مربوط به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی بوده و ۵ مصوبه اقتصادی مخالف موازین شرع دیگر به شرح ذیل است: ۱. لایحه تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۴)، ۲. لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک (مصوب ۱۳۷۵)، ۳. لایحه معادن (مصوب ۱۳۷۷)، ۴. طرح نحوه رسیدگی به درخواست اعسار (مصوب ۱۳۸۱) و ۵. طرح جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و ایجاد قطعات مناسب فنی، اقتصادی (مصوب ۱۳۸۲).^۱

به‌طور کلی مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی که برای تعیین تکلیف به مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده و بررسی شده‌اند، به‌طور میانگین با حدود ۱۵ ماه تأخیر روبه‌رو شده‌اند که از این مدت، ۵ ماه آن به‌طور میانگین فرایند بررسی شورای نگهبان و ۱۰ ماه به‌طور میانگین فرایند بررسی مجمع تشخیص مصلحت نظام به طول انجامیده و موجب کندی امور شده است. در نهایت از ۱۷۱ مصوبه ارسالی مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۰ مصوبه (۱۱/۷۰ درصد) آنها رد، ۸۲ مصوبه (۹۵/۴۷ درصد) به‌همان ترتیب و بی‌تغییر تأیید شده و ۵۷ مصوبه (۳۳/۳۳ درصد) با اصلاحات تأیید شده و ۱۲ مصوبه دیگر (۰۱/۷ درصد) یا باقی مانده یا برگردانده شده یا موضوع آن منتفی شده است. به‌نظر نمی‌رسد که هیچ‌یک از این مصوبه‌های اقتصادی که در نهایت از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام رد شده است، تأثیر شگرفی بر توسعه اقتصادی کشور داشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه علت مغایرت شورای نگهبان در مورد هیچ‌یک از این مصوبه‌ها مخالفت با موازین شرع نبوده است، حتی در صورت تأثیرگذاری بر توسعه اقتصادی نیز نمی‌توان آن را ناشی از تأثیر باورهای دینی بر توسعه اقتصادی قلمداد کرد. با توجه به اینکه از کل ۳۳۳۹ مصوبه مجلس شورای اسلامی طی چهل سال مورد بررسی (۱۳۵۹ تا ۱۳۹۹) تنها ۸ مصوبه آن هم اقتصادی بوده و هم به‌سبب مغایرت با موازین شرع از سوی شورای نگهبان رد شده و نیز هیچ مصوبه‌ای از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با این دو تم رد نشده است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تنها ۲۴/۰ درصد مصوبه‌های مجلس در چهل سال نخست قانون‌گذاری پس از انقلاب اسلامی هم جنبه اقتصادی داشته و هم به‌سبب مخالفت با موازین شرع رد شده است.

۲. در پیوست ۲ مصوبه‌های مجلس که به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده و زیرم‌های آن ذکر شده است.

۵.۲. مسئله گروه اقدام ویژه مالی

شاید یکی از اصلی‌ترین موارد اقتصادی که در سال‌های اخیر مانع توسعه اقتصادی ایران به‌شمار می‌آید، مسئله گروه اقدام ویژه مالی^۱ است که تصویب نشدن قانونی آن مربوط به مخالفت‌های شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام است. نپذیرفتن گروه اقدام ویژه مالی و باقی ماندن تحریم ولی نتایج سنگینی بر اقتصاد کشور دارد. همان‌طور که هادی‌زنوز در کتاب خود در ۱۳۹۸ به تفصیل بیان کرده است: شوک ناشی از تحریم‌ها از ناحیه اخلال در تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی موجب کاهش ارزش پول ملی و نیز نرخ استفاده از ظرفیت‌های تولیدی می‌شود و از این راه بر کسری بودجه دولت و عملکرد بازار پول و سرمایه تأثیر می‌گذارد و در نهایت اقتصاد را به رکود تورمی دچار می‌کند (Hadi Zenouz, 2019: 279). وی با اشاره به تلاش‌های فراوان و موفق انجام‌شده برای دور زدن تحریم و تأمین نیازهای داخلی که اگر چه با مقداری فساد اجتناب‌ناپذیر همراه بوده، به این مسئله می‌پردازد که در بلندمدت تأثیرات تحریم شدیدتر می‌شود و می‌تواند به نبود انباشت سرمایه‌های انسانی و فیزیکی، نبود پیشرفت فناوری، مهاجرت نیروی انسانی تحصیل‌کرده از کشور و تغییر انتظارات عاملان اقتصادی در مورد آینده کسب‌وکار منجر شود و در نهایت به کاهش سرمایه‌گذاری، رشد تولید و مصرف داخلی بینجامد (Hadi Zenouz, 2019).

۶. نتیجه

از نخستین رویارویی ایرانیان با غرب پس از انقلاب صنعتی، برخی روشنفکران کشور، دین یا ترکیب دین با سیاست را از مهم‌ترین موانع توسعه یا مدارهای توسعه‌نیافتگی قلمداد کردند، ولی پس از جنگ سرد و گسترش ایدئولوژی‌های کمونیسم و سوسیالیسم در جهان، در ایران، مبتنی بر نظریه نیروی سوم و بازگشت به خویشتن، این بار دین، با وجود تأکید بر لزوم پاکسازی برخی ناخالصی‌ها و قرائت‌های نادرست، به‌عنوان نجات‌دهنده کشور مطرح شد و در نهایت به انقلاب اسلامی و نظام سیاسی انجامید که در قانون اساسی آن ذکر شده است که نهادها باید مبتنی بر اسلام باشند. در عین حال برخی ناکارآمدی‌ها در تجربه چهل‌ساله انقلاب اسلامی به‌ویژه در توسعه اقتصادی، که بنابر یک تعریف ساده می‌توان درآمد سرانه را شاخص آن دانست، موجب شد تا دست‌کم در برخی محافل غیررسمی دوباره مانعیت دین مطرح شده و راه برون‌رفت از آن، مسئله سکولاریسم مطرح شود. در این زمینه در ادبیات اقتصادی نیز به‌ویژه مکتب نهادگرایی جدید به این مسئله می‌پردازد که باورهای دینی با توجه به تأثیری که

¹ The Financial Action Task Force (FATF)

بر ایجاد و تغییر ماتریس نهادی جامعه دارد، بر تحول و توسعه اقتصادی مؤثر است. همچنین اشاره شد که داگلاس نورث از معروف‌ترین اقتصاددانان نهادگرا و برنده جایزه نوبل اقتصاد با توجه به تجربه سده دوازدهم به بعد و مبتنی بر آرای کوران در مورد جوامع اسلامی بر این باور است که اسلام انعطاف‌پذیری لازم برای توسعه اقتصادی را نداشته، و به‌گونه‌ای ضمنی نظر روشنفکران متقدم ایرانی را تأیید کرده است.

در این مقاله استدلال نورث درباره زنجیره «باور-نهاد-تحول» (توسعه اقتصادی) پذیرفته شد، اگر چه به ابزارهای اسلام برای انعطاف‌پذیری نیز برای نشان دادن قدرت باورهای اسلامی-شیعی اشاره شد. همچنین برای بررسی نظریه نورث و ادعای وی درباره تأثیر باورهای اسلامی بر توسعه اقتصادی در تجربه جمهوری اسلامی ایران به دلیل محدودیت‌های پژوهش، بر نهاد قانون تمرکز داده شد. علت تأکید بر نهاد قانون هم جایگاه شریعت و قوانین اسلامی در باورهای دینی، تلاش دوره مشروطیت در ایران که در عمل انقلابی برای قانون بود و نیز ادبیات رو به رشد جایگاه قانون در ادبیات اقتصادی ذکر شد. با توجه به اینکه یکی از رویکردهای اصلی در تأثیر باورهای اسلامی بر توسعه اقتصادی از معبر قانون رویکرد پسینی و بررسی مغایرت مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی با شرع از راه نهاد شورای نگهبان و نیز در صورت مغایرت شورای نگهبان و اصرار مجلس، نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام است، تجربه قانون‌گذاری چهل‌ساله جمهوری اسلامی از ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۹ در این باره بررسی شد.

در این بررسی، از تحلیل کیفی تماتیک استفاده شد و تم‌ها بر پایه پرسش‌های پژوهش و نیز ارزیابی داده‌ها انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان دادند که از مجموع مصوبه‌های مجلس شورای اسلامی در این چهل سال تنها حدود ۵ درصد آنها از سوی شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت نظام رد شده‌اند که اگر دلیل رد نیز نه اصول قانون اساسی بلکه تنها مخالفت با موازین شرع در نظر گرفته شود، حدود ۲۴/۰ درصد مصوبه‌ها به دلیل مغایرت با موازین شرع رد می‌شود و در عمل نمی‌توان باورهای دینی را مانع خاصی برای توسعه اقتصادی کشور از معبر قانون دانست. همچنین بررسی مصوبه‌های اقتصادی که به دلیل مخالفت با موازین شرع رد شده‌اند، نشان می‌دهد که تنها ۷ مصوبه از سوی شورای نگهبان رد شده که غیر از مصوبه تأسیس بانک توسعه و تجارت اکو مورد مهم دیگری وجود نداشته است. مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مصوبه‌ای اقتصادی را به دلیل مخالفت با موازین شرع رد نکرده است، و از این رو مانعیتی در این نهاد در این زمینه مشاهده نشد. هر چند یکی از مسائل اصلی که با مخالفت شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام در این چهل سال روبه‌رو شده، الزامات گروه اقدام ویژه مالی است که این مسئله در کنار این واقعیت که یک‌سوم مصوبه‌های ارجاعی مجلس شورای اسلامی به مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع موافقت‌نامه‌های

بین‌المللی بوده و نیز توجه به اهمیت فزاینده جهانی شدن تولید و اقتصاد، نشان می‌دهد که هنوز این نهادهای مشروع‌ساز جمهوری اسلامی ایران نتوانسته‌اند نگاه مناسبی در زمینه تعامل بین‌المللی داشته باشند و این مسئله در کنار موضوع تحریم و این واقعیت که با وجود تصویب و تأیید قانون جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در عمل، این قانون اجرایی نشده است، این مسئله را به یکی از پاشنه‌آشیل‌ها و موانع توسعه اقتصادی ایران تبدیل کرده است که لزوم موشکافی و افزایش زمان آگاهی و ارتقای ضرورت انعطاف اندیشه‌ای در مورد آن را روشن می‌سازد. در این زمینه باید به بهبود سازوکارهای تشخیص مصلحت در نهاد مربوط و توجه بیشتر به عرف کارشناسی پرداخت.

قدردانی

لازم است از معاونت پژوهشی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و داوران محترم فصلنامه سیاست دانشگاه تهران بابت همکاری و همفکری ایشان قدردانی نماییم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Azimi, H. (1995). *Madār'hā-ye tose'-nayāftegi dar eghtesād-e Iran*, Circles of Underdevelopment in Iran's Economy, Tehran: Ney. [In Persian]
2. Becker, S.O; and et al. (2020). "Religion in Economic History: A Survey," ESI Working Paper 20-22. Available at: https://digitalcommons.chapman.edu/esi_working_papers/317 (Accessed 20 December 2023).
3. Fairahi, D. (2020). *Mafhom-e ghānoon dar Īrān-e mo'āser, tahavolāt-e pishā'mashroteh*, The Concept of Law in the Contemporary Iran, The Pre-Constitutional Developments, and Tehran: Ney. [In Persian]
4. Faundez, J. (2016). "Douglass North's Theory of Institutions: Lessons for Law and Development," *Hague Journal on the Rule of Law* 8: 373-419, <DOI:10.1007/s40803-016-0028-8>.
5. Ghasemi, Y; Hashemi, A. (2020). "Anjām-e pajohesh be ravesh-e tahlil-e temātic (Conducting Research by Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching, A Case Study of Music Usage of M.A. Students at Ilam University," *Farhang-e Ilam, Journal of Ilam Culture*, 20: 64-65: 7-33. Available at: https://www.farhangeilam.ir/article_106790.html?lang=en (Accessed 17 November 2023). [In Persian]
6. Gohardani, F; Tizro, Z. (2019). *The Political Economy of Iran: Development, Revolution and Political Violence*. London, UK: Palgrave MacMillan.

7. Hadi Zenouz, B. (2019). Tahlil-e tahrīm'hā-ye bein'ol mellali-ye Iran dar chār'chob-e eghtesād-e siyāsi, An Analysis of International Sanctions of Iran within the Framework of Political Economy, in the Period 1979-2018. Tehran: Nashr-e eghtesād-e fardā. **[In Persian]**
8. Hallaq, W.B. (2007). Tārikh-e teorihā'ye hoghoghi-ye eslāmi, History of Islamic Legal Theories, trans. Mohammad Rasekh. Tehran: Ney. **[In Persian]**
9. Imam Jomezadeh, S.J; Monfared, S.Q. (2004). "Risheh'hā-ye tārikhi-ye tose'-nayāftegi-ye siyāsī Irān, tā ghab az enghelāb-e eslāmi, az manzar-e andisheh'garān-e liberal va eslāmi, The Historical Roots of Iran's Political Underdevelopment (Before the Islamic Revolution), from the Perspective of Liberal and Islamic Thinkers," Majaleh'i dāneshkadeh'i hoghogh va olom-e siyāsī, The Journal of the Faculty of Law and Political Science, 65: 35-58. Available at: https://jflps.ut.ac.ir/article_11240.html (Accessed 20 December 2023). **[In Persian]**
10. Katouzian, H. (2013). Iranian, dorān-e bāstān tā doreh-ye mo'āser, Iranians, Ancient to the Contemporary Era, Trans. Hossein Shahidi. Tehran: Markaz. **[In Persian]**
11. Knippenberg, E; and et al. (2023). Iran Poverty Diagnostic- Poverty and Shared Prosperity. New York: World Development Group. Available at: <https://policycommons.net/artifacts/8189144/iran-poverty-diagnostic/9099561> (Accessed 24 June 2023).
12. Kohistaninejad, M. (2002). Chālesh-e mazhab and modernism, sayre andisheh-ye siyāsī-ye mazhabi dar Iran, The Challenge of Religion and Modernism: The Course of Religious Political Thought in Iran, The Half of the 20th Century, and Tehran: Ney. **[In Persian]**
13. Kuran, T. (2018). Shekāf-e amigh dar khāvare'miyāneh, The Long Divergence: How Islamic Law Held Back the Middle East, Trans. Seyed Mehdi Mir Hosseini. Tehran: Mehri. **[In Persian]**
14. Mahdavi, A.A. (2010). The Fundamentals of the Role of Time and Space in Inferences of the Religious Precepts from the Perspective of Imam Khomeini (RA) and Martyr Sadr (RA): A Comparative Review. Tehran: Imam Sadiq (AS) University. **[In Persian]**
15. Naini, M.M.H. (2001). Resāleh-i dar mardom'sālāri-ye dini va estebdād-e dini (Alarming the Nation and Purifying the Religion, A Thesis on Religious Democracy and Religious Tyranny, Tehran: Amirkabir. **[In Arabic]**
16. Narimani, M; and et al. (2012). "Estekhrāj-e delālat'hā-ye siyāsati-ye roykard-e tatavori dar hozeh-ye elm va fān'āvari, Extracting the Political Implications of an Evolutionary Approach in the Field of Science and Technology: A Thematic Analysis," Journal of Science and Technology Policy, 5, 2: 1-17. Available at https://jstp.nrisp.ac.ir/article_12868.html?lang=en (Accessed 20 December 2023). **[In Persian]**
17. North, D. (1998) Nahād'hā, taghirāt-e nahādi and amalkard-e eghtesādi, Institutions, Institutional Change and Economic Performance, trans. Mohammad Reza Moeini. Tehran: Sāzemān-e barnāme and bodjeh. **[In Persian]**

18. North, D. (2017). Fahm-e farāyand-e tahavol-e eghtesādi, Understanding the Process of Economic Change, Trans Mir Saeed Mohajerani and Zahra Farzizadeh. Tehran: Nahād'garā. **[In Persian]**
19. Payen, M; Ronde, P. (2020). "Culture, Institution and Economic Growth," Bureau d'Économie Théorique ET Appliquée (BETA), Université de Strasbourg, France. Available at: <https://beta.u-strasbg.fr/WP/2020/2020-18.pdf> (Accessed 17 November 2023).
20. Porter, M. (2020). Farhang and tose', Culture and Development: The Intertwining of Subjective and Objective Aspects of Collective Life, Trans. Farshad Momeni and Fariba Momeni. Tehran: nahād'garā. **[In Persian]**
21. Qhochani, M. (2022). Trājedi-ye protestānism-e eslāmi, Tragedy of Islamic Protestantism, Tehran: Sarāei. **[In Persian]**
22. Shojaei Divkalai, S.H. (2018). Tose'-nayāftegi and sanati'sāzi dar Irān-e ahd-e Qājār and Pahlavi-ye avval, Underdevelopment and Industrialization in Iran in the Qajar and the First Pahlavi Era, Tehran: Tisa. **[In Persian]**
23. Tabrizi, M.Y.K (Moshir'oldoleh). (2021). Yek kalameh (A Word). Tehran: Andisheh-ye Idā. **[In Persian]**
24. Tayebi Abolhasani, S.A.H. (2019). "Dar'āmadi bar ravesh-e tahghigh (Introduction to Research Method: Standard Procedures for Qualitative Data Analysis)," Science and Technology Policy Letters 9, 2: 67-96. Available at: https://stpl.ristip.sharif.ir/article_21535.html?Lang=en (Accessed 24 June 2023). **[In Persian]**
25. The Comprehensive Website of Guardian Council's Opinions, "Sāmāneh-ye jāme'nazarāt-e shorā-ye negahbān" (2023). The Constitutional Council (nazarat.shora-rc.ir). Available at: <http://nazarat.shora-rc.ir> (Accessed 24 June 2023). **[In Persian]**
26. The Leader's Statements at the First Meeting of Strategic Ideas, "Bayānāt-e rahbari dar nokhostin neshast-e andishe'hā-ye rāhbordi. (2010)." Office for Preservation and Publishing of the Works of Ayatollah Khamenei (farsi.khamenei.ir). Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10664> (Accessed 17 November 2023). **[In Persian]**
27. United Nations Development Program (UNDP). (2022). Human Development Report 2021/2022. New York: United Nations Development Program. Available at: https://hdr.undp.org/system/files/documents/global-report-document/hdr2021-22pdf_1.pdf (Accessed 24 June 2023).
28. Weber, M. (2017). Akhlāgh-e protestāni var roh-e sarmāyeh'dāri, The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism, Trans. Parisa Manochehri and Abdol Karim Rashidian. Tehran: Elmi and fāhangī. **[In Persian]**
29. World Bank. (2017). World Development Report 2017: Governance and the Law. Washington, DC: World Bank. Available at: <https://www.worldbank.org/en/publication/wdr2017> (Accessed 20 December 2023).
30. World Bank. (2023). World Bank Data. Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GNP.PCAP.KN?locations=IR&view=chart> (Accessed 24 June 2023).
31. Zouache, A (2016). "Islam, Institutions, Development, and the Mistakes of Orientalist Economics," Centre de Recherches Sociologiques et Politiques de Paris (CRESPPA) Research Paper, 61-68. Available at: <https://>

economix.fr/uploads/source/doc/seminaires/musulman/PapZou_Nanter_re. pdf
(Accessed 24 June 2023).

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press.
This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of
the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



